

چند سند دیگر

نامه ای که سراغاز انقلاب شناخته شده است :
پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

فزاینده تنگناها و نابسامانیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان دورنمای خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرارداد که امضاء کنندگان زیر، بنابر وظیفه ملی و دینی و در برابر خدا و خلق خدا با توجه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضائی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بوده، مسئولیت و مأموریتی غیر از پیروی از «منویات ملوکانه» داشته باشد نمی شناسیم و در حالی که تمام امور مملکت از طریق صدور فرمان ها انجام میشود و انتخابات نمایندگان ملت و انشاء قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب در کف اقتدار شخص اعلیحضرت قرارداد که همه اختیارات و افتخارها و بنابراین مسئولیتها را منحصر و متوجه به خود فرموده اند، این مشروحه را علیرغم خطرات سنگین تقدیم حضور می نمایم.

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از هر طرف در لبه پرتگاه قرار گرفته، همه جریانها به بن بست کشیده، نیازمندیهای عمومی بخصوص خواروبار و مسکن با قیمتهای تصاعدی بی نظیر دچار نایابی گشته، کشاورزی و دامداری روبه نیستی گذارده، صنایع نوپای ملی و نیروهای انسانی در بحران و تزلزل افتاده، تراز بازرگانی کشور و نابرابری صادرات و واردات وحشت آور گردیده. نفت، این میراث گرانبهای خدادادی به شدت تبذیر شده، برنامه های عنوان شده اصلاح و انقلاب ناکام مانده و از همه بدتر نادیده گرفتن حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونت های پلیسی به حداکثر رسیده و رواج فساد و فحشاء و تملق، اخلاق ملی را به تباهی کشانده است.

حاصل تمام این اوضاع توأم با وعده ها و ادعاهای پایان ناپذیر و گزافه گوئیها و تبلیغات و تحمیل جشن ها و تظاهرات، نارضائی و نومیدی عمومی و ترك وطن و خروج سرمایه ها و عصیان نسل جوان شده که عاشقانه داوطلب زندان و شکنجه و مرگ میگردند و دست بکارهائی میزنند که دستگاه حاکمه آنرا خرابکاری و خیانت و خود آنها، فداکاری و شرافت مینامند.

اینهمه ناهنجاری در وضع زندگی ملی را ناگزیر باید مربوط به طرز مدیریت مملکت دانست، مدیریتی که برخلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شاهنشاهی پیدا کرده است. در حالیکه «نظام شاهنشاهی» خود

برداشتی کلی از نهاد اجتماعی حکومت در پهنه تاریخ ایران میباشد که با انقلاب مشروطیت دارای تعریف قانونی گردیده و در قانون اساسی و متمم آن حدود «حقوق سلطنت» بدون کوچکترین ابهامی تعیین و «قوای مملکت ناشی از ملت» و «شخص پادشاه از مسئولیت مبری» شناخته شده است.

در روزگار کنونی و موقعیت جغرافیائی حساس کشور ما اداره امور، چنان پیچیده گردیده که توفیق در آن تنها با استمداد از همکاری صمیمانه تمام نیروهای مردم در محیطی آزاد و قانونی و با احترام به شخصیت انسانها امکان پذیر میشود.

این مشروح سرگشاده به مقامی تقدیم میگردد که چند سال پیش در دانشگاه هاروارد فرموده اند:

«نتیجه تجاوز به آزادیهای فردی و عدم توجه به احتیاجات روحی انسانها ایجاد سرخوردگی است و افراد سرخورده راه منفی پیش میگیرند تا ارتباط خود را با همه مقررات و سنن اجتماعی قطع کنند و تنها وسیله رفع این سرخوردگیها، احترام به شخصیت و آزادی افراد و ایمنان به این حقیقت هاست که انسانها برده دولت نیستند و بلکه دولت خدمتگزار افراد مملکت است.»

و نیز به تازگی در مشهد مقدس اعلام فرموده اند

«رفع عیب بوسیله هفت تیر نمیشود و بلکه بوسیله جهاد اجتماعی میتوان علیه فساد مبارزه کرد.»

بنابراین، تنها راه بازگشت و رشد ایمن و شخصیت فردی و همکاری ملی و خلاصی از تنگناها و دشواریهایی که آینده ایران را تهدید میکند، ترك حکومت استبدادی، تمکین مطلق به اصول مشروطیت، احیاء حقوق ملت، احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انصراف از حزب واحد، آزادی مطبوعات و اجتماعات، آزادی زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مسئول اداره مملکت بداند.

بیست و دوم خرداد ۱۳۵۶

دکتر کریم سنجابی - دکتر شاپور بختیار - داریوش فروهر

پیام دکتر سنجابی به ملت ایران

ملت غیور ایران

بدون تردید شرایط حاضر سخت ترین وضعیتی است که در تاریخ اخیر خود با آن مواجه بوده اید. از یکسو قشون متجاوز و جرار بیگانه به بهانه سرکوب رژیم و با چراغ سبز قدرتهای جهانی، کمر به قتل غرور و سرافرازی بلکه اصل هستی و بنیان ملی ما نهاده است. از سوی دیگر حکومتی در پوشش مذهبی و با مسخ ارزشهای معنوی و میراث فرهنگی، شوم ترین نظامهای خودکامه سده های اخیر را بر کشور ما مستقر نموده و با فریب دورنمای پیروزی، به ادامه جنگ خانمانسوزی که جز بر باد دادن جانهای پاک جوانان ما و از بین بردن ثروت مادی و معنوی نتیجه ای نداشته است دست یازیده است. در حقیقت شما مردم و نیروهای رزمنده را که با فداکاری و جانبازی بارها امکان پایان مظفرانه جنگ را پدید آوردید، بخاطر مصالح شوم خود از صلح با سرافرازی، محروم نموده است. این وضعیت تا بدانجا ادامه یافته است که بخشی از مناطق حیاتی میهن ما مجدداً به اشغال قشون بیگانه در آمده است.

با هدر دادن امکانات رزمی و توانائی دفاعی، وضعیت تا آنجا سقوط کرده که وسایل دفاع از یکپارچگی میهن به حداقل رسیده است.

این رژیم با پراکندن تخم نفاق و نفرت و با تیشه زدن به ریشه، استوار وحدت ملی، مسئول شماره یک فاجعه اسفناک حاضر است. در نتیجه این اوضاع، دست خارجی به گونه ای حتی بدتر از شرایط شهریور ۲۰ در سرنوشت ملت ما باز شده است. وظیفه نخست میهنی، در این شرایط، نفی این دخالت است. تنها مقاومت و مبارزه شما با دشمن خارجی و عمال آن علیرغم رژیم حاکم است که میتواند ضامن استقلال و بقای ملی باشد. امروز شما مردم با یکی از دشوارترین آزمایشهای تاریخی مواجه هستید.

عشایر غیور غرب

این شما بودید که در روزهای سخت آغاز تجاوز بیگانه، زمانی که امید از همه سلب گشته بود، برغم کارشکنی ها و تنگ نظری ها، ایستادید و با جانبازی و دلاوری خود مانع سقوط وطن شدید. قطعاً غیرت شما اجازه نخواهد داد که بعد از سالها جنگ و جانفشانی، علیرغم همه ظلمهایی که به شما رفته است، بلای جبران ناپذیری بر سر مردم ایران نازل گردد. بر شماست که از عهده حفظ این امانت تاریخی، یعنی نگهداری مرزهای ایران در برابر تجاوز بیگانه و عمال آن که پدران شما نسل بعد از نسل با فداکاری ضامن آن بوده اند، برآئید و نام نیک نیاکان خود را که با ایران و ایرانیت عجین بوده است، حفظ کنید.

دکتر کریم سنجابی

۷ مرداد ماه ۱۳۶۷

نقل از روزنامه جبهه شماره ۱۰۷ شهریور ۱۳۶۶

خلاصه‌ای از اعلامیه جبهه ملی درباره رفراندوم:

«آزادی از حقوق اساسی ملت است» «زمین و آب حق دهقان است»
«با برداشتن استعمار و استثمار - آری - موافقم... با حکومت
خودکامه و دخالت پادشاه در حکومت رژیم وحشت و ترور - سازمان
امنیت - تسلط سیاست استعماری - تعدی پلیس و ژاندارم در شهرها و
روستاها - نه مخالفم»

«مردم شرافتمند ایران، شما بخوبی میدانید که دهقانان و کارگران وطن ما
در بدترین و سخت‌ترین شرائط زندگی بسر میبرده و کارفرمایان به اتکاء
قدرت دستگاه حاکم و با زور سرنیزه‌ی ژاندارم و نیروی مأموران دولتی دسترنج
آنان را تاراج نموده و کلیه‌ی حقوق اولیه‌ی انسانی را از آنان سلب میکرده‌اند جبهه‌ی
ملی ایران برای پایان دادن به این همه بی‌عدالتی و بمنظور محو و نابودی اساس جور
و ستم مبارزه با این دستگاه فاسد را که با دستیاری و تأیید بیگانگان بر ملت ما مسلط
گشته و منشاء همه‌ی مفاسد و مظالم است هدف خویش قرار داده است.

جبهه‌ی ملی ایران معتقد است که تأمین زندگی مرفه انسانی برای دهقانان
هنگامی میسر است که نظام پوسیده‌ی ارباب رعیتی عملاً و واقعاً منسوخ شود و زمین و
آب در اختیار روستائیان قرار گیرد و دهقانان ایران دور از هر نوع صحنه سازی
و فریب، زمام سرنوشت خویش را در دست گیرند.

هیأت حاکمه پس از آنکه از عناوین «قانون بند جیم»، «مبارزه با فساد» و
قانون «از کجا آورده‌ئی» و حزب سازی و «محاکمات بزرگ» و نظائر آن طرفی
نبست برای آنکه چهره‌ی غیرقانونی خود را مخفی سازد و عمر دستگاه مترنزل خویش
را چندی طولانی‌تر گرداند، اکنون به بهانه‌ی اصلاحات ارضی و تأمین حقوق
کشاورزان موضوع «رفراندوم» را عنوان کرده است.

دستگاهی که تمام آزادیهای قانونی را از ملت سلب نموده و با هزاران فجایع و مظالم حقوقی انسانی جامعه‌ی ما را لگدمال کرده و مسلم‌ترین حق ملت یعنی انتخاب نماینده و برقراری حکومت ناشی از ملت را زیر پا گذاشته اکنون مسأله‌ی رفراندوم را پیش کشیده است تا به بهانه‌ی آن بازم به تعطیل مشروطیت و تضییع حقوق ملت ادامه دهد!

همان کسانی که پس از کودتا، با تخطئه‌ی رفراندم حکومت ملی، به جمیع حقوق ملت تجاوز نمودند و با سلب تام آزادی‌های فردی و اجتماعی و تشکیل مجالس فرمایشی، حاصل پیروزی‌های مردم رشید سرزمین ما را يك به يك بیاد دادند و با تجاوز و غارت و چپاولی که در تاریخ بی‌سابقه است کشور ما را به ورشکستگی کشانند امروز بفر رفراندم افتاده‌اند و به بهانه‌ی تأمین حقوق کشاورزان میخواهند به حکومت غیرقانونی خود پایه‌ی قانونی دهند. غافل از آنکه چنین رفراندمی بهیچوجه نمیتواند یکدستگاه مستبد و غیرملی را موجه و مشروع سازد و خیال خام آنها را تحقق بخشد.

هموطنان،

رفراندمی که قرار است برای تصویب طرح‌های ششگانه‌ی شاه اجرا شود به دلایل ذیل نمیتواند قانونی باشد: اول آنکه بر طبق اصول مشروطیت و مفاد قانون اساسی کشور، پادشاه نمیتواند به آرای عمومی مراجعه کند زیرا شاه يك مقام غیرمسئول بوده و از هر نوع دخالت مستقیم در امور حکومت و قانونگذاری ممنوع است.

اعلام طرح‌های ششگانه توسط پادشاه و دخالت رسمی و آشکار بعنوان يك مقام مسئول در امور اجرائی و قانونگذاری، کشور را رسماً بيك کشور استبدادی تبدیل میکند. اگر ژنرال دوگل میتواند به آرای عمومی مراجعه کند از جهت آنستکه نامبرده از طرف ملت برای مدت محدودی بعنوان رئیس جمهور فرانسه انتخاب شده است و قانون اساسی فرانسه حق مراجعه به آرای عمومی فرانسه را به رئیس جمهوری کشور تفویض نموده است. دخالت در شئون کشور بعنوان مسئول مملکت از طرف پادشاهی که قانوناً غیرمسئول است و بمقام و عنوان او بر طبق وراثت و بموجب مقررات قانون اساسی استوار گردیده است در حکم برهم زدن اساس حکومت ملی و واژگون ساختن رژیم مشروطیت و دموکراسی است.

دوم آنکه در مراجعه به افکار عمومی باید يك موضوع مورد پرسش قرار

گیرد و هرگاه چند موضوع یکجا به آرای عمومی گذاشته شود و مردم با بعضی از آن موضوعات موافق و با برخی دیگر مخالف باشند چگونه میتوانند فقط با یک آری یا نه نظر خود را نسبت به موارد مختلف اظهار کنند؟

سوم آنکه مراجعه به آرای عمومی هنگامی صورت میگیرد که دستگاه مسؤول قانونی بخواهد قبلاً از نظریه‌ی ملت در باری اجرا یا عدم اجرای امری آگاه گردد و حال آنکه طرح اصلاحات ارضی که بهانه‌ی اصلی توسل به فراندم است یکسال و چند ماه قبل در هیأت دولت تصویب شده و بنا به ادعای دولت اجرای آن تقریباً به پایان رسیده است پس چگونه برای موضوعی که اجرا شده است به آرای عمومی مراجعه میشود؟

چهارم آنکه فراندم و پاهرنوع اعمال اراده‌ی ملت باید در شرائط آزاد صورت گیرد. در مملکتی که هیچکس در اظهار نظر آزاد نیست و روزنامه‌ها از درج نظرات و افکار سیاسی مردم حتی بصورت آگهی محرومند، در مملکتی که روزنامه‌ها به دستور سازمان امنیت از قول آقای دکتر مصدق نامه جعل میکنند و در عین حال از درج تکذیب‌نامه معظم له برخلاف قانون مطبوعات خودداری مینمایند در چنین کشوری مراجعه به آرای عمومی و فراندم را عنوان کردن در حقیقت میلیونها مردم را در کشورها و صدها میلیون‌ها در سراسر جهان فریب دادن است.

هموطنان، هشیار باشید.

اگر بشود با فراندم تمام قوانین را تصویب کرد اصولاً حکومت پارلمانی در رژیم، مشروطه معنی نخواهد داشت و هیأت حاکمه با توسل به فراندم دروغی روشی اتخاذ میکند تا راه را برای لغو کامل حقوق ملت و انجام برنامه‌های دیگر خود باز نماید.

پادشاهی که در مدت دهسال تمام، با قدرت و استبداد علی‌رغم قوانین اساسی مملکت و با بی‌اعتنائی به حقوق ملت حکومت کرده است و همه دولتها را بدون کوچکترین اظهار نظر مردم، عزل و نصب کرده و بدست آنها انتخابات مجلس را در محیط ترور و وحشت و بی‌هیچ نوع آزادی انجام داده و نمایندگان دروغین مجلس را فرداً فرد منصوب کرده و کلیهی قوانین و مقررات اقتصادی و قضائی را با تصویب شخصی اجازه‌ی عمل داده است، اکنون بصورت رسمی در شؤون تقنینی و اجرایی مملکت دخالت مینماید و باقیمانده‌ی آثار قانون اساسی را از میان برمیدارد.

پادشاهی که ارتش مملکت را به ابزار شخصی تبدیل نموده و دستگاههای

انتظامی را بصورت عوامل بی‌اراده و مطیع در آورده و سازمان امنیت را بر کلبه‌ی شوون مردم بیرحمانه مسلط گردانیده است اکنون با اجرای رفراندم و توسل به مسأله‌ی اصلاحات ارضی و حقوق زارع می‌خواهد حکومت خلاف قانون خود را جنبه‌ی ملی و مردم پسند بدهد.

مردم ایران، ما بشما اعلام خطر می‌کنیم که امروز کشور ما در آستانه‌ی تبدیل رسمی رژیم مشروطیت و دموکراسی به سیستم استبداد و ارتجاع است؛ یقین داریم ملت بیدار و هشیار است.

دهقان ایرانی هوشیار و آگاه اجازه نخواهد داد که عنوان مصالح او را به‌ی دست دشمنان ملت گردد. او میدانند که مسیبان و عاملان اصلی انتخابات غیرقانونی تابستانی و زمستانی گذشتند و عاملان رفراندمی که قرار است صورت گیرد دشمنان حقوق و آزادی‌های مردم وطن ما هستند.

زمین و آب حق دهقان و زارع است
آزادی از حقوق اساسی ملت است

با الغای رژیم ارباب رعیتی، زمین و آب برای دهقان، دسترنج کارگر برای کارگر، حاکمیت ملت و آزادی برای همه‌ی مردم، از میان برداشتن استعمار و استثمار، - آری موافقم

با حکومت خودکامه و دخالت پادشاه در امور حکومت و رژیم وحشت و ترور سازمان امنیت - تسلط سیاست استعماری بر کشور - تعدی پلیس و ژاندارم و مأمور متعدی دولت در شهرها و روستاها - نه مخالفم.

(هیأت اجرائی جبهه ملی ایران)

این متن عیناً از کتاب «سرود رهایی» نوشته آقای ادیب برومند گرفته شده است

انگلیسی‌ها قاجاریه را برانداختند و پدر مرا آوردند و بردند اگر بخواهند میتوانند مرا از کار بپندازند - اگر میل دارند بمانم بگویند و اگر میخواهند بروم فوراً بگویند که بی سروصدا مملکت را ترك كنم .

۱- وزارت خارجه آمریکا به ما اطلاع داد که در چند نوبت یاران شاه به هندرسن «سفر آمریکا در ایران» گفته اند که اعلیحضرت از نظر انگلیس نسبت به خود اطمینان ندارد. گزارش‌های رسیده حاکی است که شاه دائم از این صحبت می‌کند که انگلیس‌ها سلسله قاجار را برانداختند و پدر او را بجای آنها نصب کردند و بعد پدرش را هم برانداختند. اکنون هم میتوانند اگر خواسته باشند او را در مقام خود حفظ کنند و اگر نخواسته باشند از کار بپندازند. اگر میل دارند که او بماند و اختیاراتی را که قانون اساسی به او داده است داشته باشد باید «صریحاً» بگویند. در غیر اینصورت، اگر می‌خواهند که او برود باید فوراً به او بگویند که بتواند بی سروصدا مملکت را ترك کند. آیا انگلیس‌ها می‌خواهند شاه دیگری را سر کار بیاورند یا اینکه اصلاً رژیم سلطنتی را ملغی سازند؟ آیا کوشش‌هایی که در حال حاضر برای امحاء اختیارات و آبروی او میشود زیر سر آنهاست؟

۲- روز هفدهم ماه مه ۱۳۵۳ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۲) شاه نماینده‌ای پیش هندرسن فرستاد. مضمون پیام او این بود که اگر سفیر آمریکا بتواند دقیقاً، اما محرمانه، نظر انگلیس را نسبت به او مشخص سازد به روشن شدن اوضاع و احوال کمک خواهد کرد.

۳- هندرسن به وزارت خارجه آمریکا اطلاع نداده است که پاسخ به این سؤال لازم است یا نه. اما نظر وزارت خارجه آمریکا این است که پاسخی که به تقویت روحیه شاه کمک کند مناسب خواهد بود. هندرسن بزودی برای دیدار دالس به کراچی خواهد رفت ولی در اوائل هفته آینده به تهران باز خواهد گشت. او روز سوم ژوئن تهران را دوباره برای تعطیلاتش در آمریکا ترك خواهد کرد. ترتیبی داده شده است که او پیش از ترك تهران با شاه ملاقات کند، و اگر قرار باشد به پیام شاه «درباره» نظر انگلیس نسبت به او پاسخی داده شود، ملاقات او با شاه بهترین فرصت برای رساندن آن پیام خواهد بود.

نقل از شماره ۱۰۶ روزنامه جبهه نثریه ملیون ایران - لندن

Cypher/OTF.

FOREIGN OFFICE SECRET AND
WHITEHALL SECRET DISTRIBUTIONSir R. Mackay
No: 1085
May 21, 1953.D: 7.47 p.m., May 21, 1953.
R: 3.39 a.m., May 22, 1953.PRIORITY
TOP SECRET

Persia.

The State Department informed us today that on a number of occasions associates of the Shah have told Henderson that His Majesty is uncertain about the British attitude towards himself. He is reported to be harping on the theme that the British had thrown out the Qajar dynasty, had brought in his father and had thrown his father out. Now they could keep him in power or remove him in turn as they saw fit. If they desired that he should stay and that the Crown should retain the powers given to it by the Constitution he should be informed. If on the other hand they wished him to go he should be told immediately so that he could leave quietly. Did the British wish to substitute another Shah for himself or to abolish the Monarchy? Were they behind the present efforts to deprive him of his power and prestige

2. On May 17 the Shah sent an emissary to Henderson to say that it would do much to clarify the situation if the Ambassador could ascertain secretly and unequivocally the British attitude towards him.

3. Henderson had not indicated whether he thought a reply to this enquiry was desirable but the State Department were inclined to think that an answer calculated to strengthen the morale of the Shah might do good. Henderson is at present on his way to Karachi to meet Dulles but will return to Tehran at the beginning of next week. He will leave Tehran again on June 3 to come home on leave. Arrangements have been made for him to see the Shah before his departure and if the latter's message is to receive an answer this would be the most suitable occasion for it.

دکتر کریم سنجایی با خبرنگار بی بی سی

تاریخ ۲/۱۱/۱۹۷۸

ممکن است که يك حکومت ظاهراً جمهوری خیلی دیکتاتورتر از رژیم سلطنتی باشد

س - پس آنطوری که برداشت من هست این است که شما با شاه فعلی نمی‌تونید کنار بیاید برای اینکه اعتماد مردم نسبت به او سلب شده ولی با يك شاهی ممکنه بتونید مطابق دموکراسی و مطابق قانون اساسی ایران کنار بیاید؟

ج - شخصاً این موضوع را من بطور مکرر اشاره کرده‌ام که آنچه در امر حکومت مهم هست شکل ظاهری حکومت نیست. ممکن است يك حکومت ظاهراً عنوان جمهوری داشته باشد ولی خیلی دیکتاتورتر از رژیم سلطنتی باشد و ممکن است رژیمهای سلطنتی باشد، چنانچه الان در اروپای شمالی هست، که خیلی دموکرات‌تر و خیلی آزادمنش‌تر از بسیاری از جمهوریه‌ها باشد. نظام حکومتی هر مملکت دموکراتیکی را باید ملت معین بکند. ما معتقدیم که باید بوسیله يك انتخابات آزاد و يا بيك صورت مراجعه، به آراء عمومی سرنوشت نظام مملکت معین بشود.

این مطلب از روی نوار موجود در آرشیو بی بی سی پیاده شده است.

تأکید از ماست

«ایران تخته مشق نیست که هر روز نقش باطلی بر صفحه آن ترسیم کنند و روز دیگر آن را با کهنه کثیفی پاک نمایند. ایران جایگاه ملت زنده‌ایست که می‌خواهد در این جهان و بین ملت‌های آزاد و مستقل و شرافتمند زندگی کند و حاکم بر سرنوشت خود باشد، مقدرات ملت ایران باید در تهران و بوسیله نمایندگان واقعی ملت ایران معلوم شود نه لندن و واشنگتن و مسکو خارج از ایران» - دکتر کریم سنجابی، میتینگ جبهه ملی ایران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۰، میدان جلالیه تهران

از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر روز پنجشنبه گذشته میتینگ جبهه ملی ایران در میدان جلالیه با شرکت گروه کثیری از افراد طبقات مختلف مردم پایتخت برگزار گردید و آقایان دکتر کریم سنجابی، دکتر غلامحسین صدیقی و دکتر شاپور بختیار از طرف شورای مرکزی جبهه ملی به تفصیل درباره مسائل روز و برنامه جبهه ملی سخن گفتند و در پایان قطعنامه میتینگ به تصویب شرکت کنندگان رسید.

از ساعت ۳ بعد از ظهر مامورین انتظامات جبهه ملی که با پرچمهای سه رنگ و بازوبندهای مخصوص مشخص شده بودند در قسمت جنوب غربی میدان مستقر شدند و سکوتی برای سخنرانی در وسط میدان برپا گردید.

از همین ساعت بتدریج مردم وارد میدان جلالیه میشدند و میدان از کنار سایبانها بتدریج پر میشد، بطوریکه در ساعت ۴ با اینکه هنوز نیمساعت به شروع برنامه میتینگ مانده بود میدان جلالیه از جمعیت شرکت کننده موج می زد و سیل جمعیت همچنان بطرف میدان روان بود. شعارها. نمایندگان طبقات مختلف مردم مانند سندیکاهای کارگری، اصناف بازار و سایر دستجات با شعارهای مخصوص مشخص شده بودند و در روی این شعارها جملاتی بدین شرح دیده میشد: «باید فوراً انتخابات در سراسر کشور شروع شود»، «تاخیر در امر انتخابات عدم توجه به افکار عمومی ملت ایران است»، «ملت ایران خواهان شروع فوری انتخابات مجلس شورای ملی است»، «دانشگاه تهران جبهه ملی را یاری میکند». از بلندگوهای نیز که در اطراف میدان یا روی اتومبیلهای جیب نصب شده بود شعارهایی بدین شرح پخش میشد.

نظم و آرامش. شورای مرکزی جبهه ملی و هیئت اجرایی آن برای حفظ آرامش و نظم میتینگ از چند روز قبل اقداماتی را شروع کرده بود و کمیسیون مخصوصی حفظ انتظامات میتینگ را بعهده داشت. ریاست انتظامات با آقای خسرو سیف بود و مامورین انتظامات عموماً از ورزشکاران بودند.

دکتر سنجابی. ساعت ۵ بعد از ظهر آغاز برنامه میتینگ اعلام شد و نخستین ناطق آقای دکتر کریم سنجابی در میان ابراز احساسات شدید شرکت کنندگان روی سکوی خطابه قرار گرفت و اظهار داشت:

هموطنان، خواهران، برادران، از آخرین اجتماع ما که در بهمن ماه گذشته در باشگاه جبهه ملی خانه ۱۴۳ خیابان فخرآباد با حضور دهها هزار نفر از شما برپا بود تاکنون بیش از سه ماه میگذرد. در این مدت برای ما فرصت و سعادت نصیب نشد که در اجتماع سیاسی با شما روبرو شویم و درباره مسائل اساسی مملکت و آزادیهای خود بحث نهائیم. اجتماعات ما تنها به مناسبت مصائبی بود که بر ما وارد آمد، از يك طرف فرزند رشید و قهرمانی از جبهه ملی، مرحوم سید

محمود نریبان درگذشت و از طرف دیگر مرحوم دکتر خانعلی یکی از بهترین مربیان کشور در حین تظاهرات مسالمت آمیز برای مطالبه حقوق حقه معلمان هدف گلوله دولت بیدادگر معلم کش قرار گرفت، اجرای مراسم ملی و مذهبی مربوط به این مصائب وسیله‌ای شد که بار دیگر نیروی عظیم و شگرف ملت و اراده قاطع او جلوه گر شود.

باستیل ایران. در سه ماه پیش دولت و دستگاهی که مدعی مشروطیت و حکومت ملی و انتخابات آزاد بود، فجیع ترین صحنه‌ها را بوجود آورد و در آستانه انتخابات به اصطلاح آزاد، صدها نفر جوانان مبارز و آزادیخواه و میهن پرست ما را بجرم اعتراض بر انتخابات غیرقانونی روانه زندان کرد و قزل قلعه را بصورت باستیل قرن بیستم درآورد.

باشگاه جبهه ملی را بقوه پلیس تصرف کردند و اجتماعات را ممنوع ساختند. جرائد را از درج اخبار جبهه ملی و اعتراضات و شکایت مردم بانتخابات بازداشتند و مجلس سنا را برای متحصنین به زندان مبدل کردند و در این محیط خفقان آور بدلتخواه خویش اراجیف و اکاذیب جعل و بصورت متحدالمال در جراید انتشار دادند و روزنامه‌ها را قدغن اکید کردند که جوابهای جبهه ملی را درج نمایند.

تعطیل دانشگاه. در چنین اوضاع و احوالی، دستگاه قانون شکن و خیره سر و هوچی و فاسد و رشوه‌خوار و ضدملی و دروغ پرداز بتصور خود انتخاباتی بدلتخواه خویش انجام داد ولی اتحاد و هماهنگی و یکپارچگی احساسات و افکار عمومی مردم ایران اجازه نداد که عمر این توطئه و تبهکاری طولانی باشد. دانشجویان دانشگاه تهران برحسب وظیفه اجتماعی و ملی خود قیام کردند. دولت که یارای روبرو شدن با آنان را نداشت، ناچار این کانون علم و شرف و امید ملت ایران را بیش از چهل روز تعطیل کرد. دانشجویان دانشگاه‌های شهرستانها به برادران و خواهران تهرانی خود در مطالبه حقوق حقه ملی تاسی جستند و آنان نیز با تعطیل قهری دانشکده‌ها مواجه شدند.

هزاران نفر دانشجوی غیرتمند ایرانی در کشورهای خارجه در فرانسه، انگلستان، آلمان، بلژیک، سوئیس، اطریش و آمریکا فریاد اعتراض خود را علیه حکومت ضدملی و آزادی کش و قانون شکن بلند کردند و اجرای قانون اساسی و انتخابات آزاد و آزادی دانشجویان زندانی و ابطال انتخابات غیرقانونی را خواستار شدند. ولی دولت با نهایت بی اعتنائی و گستاخی بکار خود ادامه داد، بازاریان و اصناف و پیشه وران و کارگران غیرتمند تهران در این اعتراض عمومی شرکت جستند و کار و کسب خود را ترك نمودند و بازار را تعطیل کردند.

تهضت اصیل. درود بر دانشجویان غیرتمند تهران، درود بر دانشجویان شرافتمند دانشگاه‌های شهرستانها و درود بر دانشجویان میهن دوست و آزادیخواه ایران در کشورهای خارجه که ندای مظلومیت و حقانیت ملت خود را به گوش جهانیان رساندند، درود بر بازاریان و اصناف و کارگران تهران که بار دیگر در این مبارزات حق پرستی و میهن دوستی و آزادی خواهی خود را بر جهانیان ثابت کردند، درود بر مردم مبارز و آزادی طلب شهرستانها که در برابر فشار و اختناق عمال دولت برای تحمیل وکلای فرمایشی مقاومت نمودند و از دادن فدائیان دریغ نورزیدند.

هموطنان! در آن روزها که معترضین بر انتخابات غیرقانونی در مجلس سنا زندانی بودند و دانشجویان و کارگران و بازاریان و زنان و مردان میهن دوست گروه گروه مورد حمله پلیس قرار می گرفتند و بسوی زندان ها فرستاده می شدند و در آن روزها که مجلس غیرقانونی را با جلال و تشریفات باز میکردند در آن روزها که با گستاخی و بی پروائی سینه مربیان کشور را هدف گلوله قرار میدادند، دستگاه غاصب حکومت تصور نمیکرد که شما مردم رشید و غیرتمند بار دیگر موفق خواهید شد دور هم جمع آئید و نیروی شکننده و سازنده خود را نشان دهید. اینک بیش از چند روز از آن تاریخ نمیگذرد و شما در جمعیتی بمراتب بیشتر و با اراده مصمم تر در این تظاهر عظیم و بی سابقه شرکت کرده اید تا بار دیگر دنیا را شاهد نهضت اصیل و ریشه دار و تمکین ناپذیر خود قرار دهید.

اعلام خطر. در چند روز پیش جراید تهران به نقل از خبرگزاری های نیمه رسمی از قول مستر هریمن که چندی قبل بدعوت دولت به ایران آمده بود، خبری منتشر کردند که از وضع ایران به دولتهای غربی اعلام خطر کرده بود. محافل خارجی ذینفع در ایران و ایادی آنان تا چندی پیش به اصطلاح خود دموکراسی ایران را می ستودند و آن را نمونه ای از کشورهای دارای برنامه مترقی میدانستند، اینک حقایق اوضاع آنرا ناچار کرده است که پرده سکوت و ریا را پاره نمایند و رجز خوانی مثبت بافان وطنی هم ناپود شد و آهنگ نفرت خودنمایی و خودستائی آنان رو بخاموشی نهاده است. دیگر مقامات دولتی ایران از ایران آزاد و آباد و صنعتی و ثروتمند و ملت مرفه و خورسند که دکتر اقبال و رژیم او تا یکسال پیش مدعی آن بودند سخنی نمیگویند.

نخست وزیر کنونی در نطق خویش اعتراف کرد که کشور در پرتگاه سقوط است و روزنامه تایمز لندن نوشت که ایران گرفتار طاعون فساد است. سیاست ما و مقامات و اشخاصی که اعتراف به خطیر بودن موقع ایران میکنند آیا واقعا جهت خطر را تشخیص داده اند، آیا خطر را از لحاظ مصالح مردم ایران در نظر گرفته اند یا فقط بلحاظ منافع اقتصادی و تجارتنی و نظامی و سوق الجیشی خود.

صفحه شطرنج. سیاستهایی که در ذهن خود کشور ایران را مثل یکی از خانه های صفحه شطرنج می پندارند و بافکار و احساسات و زندگی مردمی که در آن زیست می کنند واقعی نمیگذارند و با تشخیصات غالبا ناقص خویش نقشه های ترتیب میدهند، برای خود جز شکست و ناکامی و بغض و عداوت مردم و برای ما جز ظلم و فساد و زورگویی و ناامیدی نتیجه ای بیار نمیآورند. ما بعنوان ملت ایران و به عنوان جبهه ای که خود را نماینده افکار عمومی ملت میداند میگوئیم: سرچشمه اصلی خرابی اوضاع و نارضایتی مردم این است که ملت ایران با رنج تمام احساس میکند که مورد تحقیر قرار گرفته است و حاکمیت او را از او سلب کرده اند. مردم حکومت ها را از خود نمیدانند و چنین می پندارند که غالب کسانی که بر آنها حکومت میکنند و منافع و مصالح ملت را در دست دارند تحت الحمايه ها و دست نشانندگان دولت های خارجی هستند، در ایران خانواده هایی وجود دارند که نس بعد از نسل در پناه سیاست های معین بوده اند. پس از جنگ بین الملل دوم و ورود نیروهای بیگانه و مداخلات روز افزون آنان، افراد استفاده جو و فرصت طلب

و بی ایمان و جاسوس منش و نوکر ماب جدید خود را در حریم خاص آن سیاست‌ها وارد کردند، اینان در همه جا و در میان همه طبقات هستند و احیانا عقاید و مسلک‌های مختلف و متضاد هم دارند ولی در يك اصل که پیروی و اطاعت از سیاست خارجی باشد مشترك هستند و در هر زمان بر حسب اقتضای وقت دسته‌ای از آنان در عرصه سیاست و مملکت داری نمایان میشوند. مردم آنان را بخوبی می‌شناسند، پوشانیدن و استتار آنها برای سیاست‌های حمایت کننده دیگر غیر ممکن است.

این قبیل اشخاص این اشخاص نوکر صفتند. بوظیفه و خدمات ملی ایمان ندارند احترام و اثری برای افکار عمومی قائل نیستند، قوانین و قواعد را مسخره میکنند، خودخواه و استفاده‌جو و عشرت طلب و ستمگر و نادرستند، مردم را دوست ندارند و مردم نیز از آنان بیزارند. در عرصه سیاست و اجتماع همواره این قبیل اشخاص با خارجیان مربوط بوده، معرف ایران و ایرانی و معیار داوری خارجیان نسبت به ما شده‌اند. در نظر این افراد بدترین حکومت‌ها حکومت ملی است و بهترین حکومت‌ها آنست که مقام و منصب و وزارت و وکالت و سفارت و بند و بست و معاملات و سوداگری نامشروع آنان را تأمین کند. بتوسط این اشخاص است که قراردادهای شرم آور با کنسرسیوم‌ها و شرکت‌های خارجی منعقد میگردد و مقاطعه‌کاریهای زیانبخش برخزانة ملت تحمیل میشود و بیت المال تبذیر میگردد و اعشاری از آن به مصرف حقیقی نمیرسد، بوسیله این اشخاص است که برنامه‌های عمرانی مبدل به برنامه‌های تخریبی و افلاس و رشوه‌خواری و اختلاس میشود، بوسیله این اشخاص است که اصول مشروطیت و حکومت ملی پایمال میگردد و میهن پرستان و آزاد مردان ایران توده‌ای و ماجراجو معرفی میشوند، بوسیله این اشخاص است که شب نشینی‌های قمار و رقص و عشرت برای خارجیان برپا میگردد و مستانه و نرون آسا بر خرابی ایران و آتش درون رنج دیدگان آن استهزاء میکنند.

ما با کسانی که وضع ایران را خطرناک تشخیص داده‌اند همداستانیم ولی این خطر ظاهرا در خارج از مرزهای ایران نیست بلکه در داخل مملکت است، این خطر از احساس تحقیر شده مردم گرسنه‌ای است که می‌بینند همه چیز آنها، دارائی ملی و حقوق و آزادی‌های آنها را گرفته‌اند. حال می‌پرسند چاره چیست؟ چاره فقط آن است که صمیمانه، بی ریا و با اخلاص و صداقت و دلسوزی رو به سوی ملت آرند و حاکمیت او را به وی دهند. ساها است آزمایش‌های باطل برای ایجاد وضع عادی و ثبات در ایران به عمل آمده که یکی بعد از دیگری به ورشکستگی منتهی گردیده است. اول با برقراری حکومت دیکتاتوری نظامی میخواستند این منظور را حاصل نمایند که نتیجه آن تباهی و ظلم و سیه‌روزرگاری شد. سپس خواستند با حکومت‌های بی شخصیت مانند حکومت اقبال و شریف امامی و مجلس‌های تحمیلی و غیرقانونی مسلوب الاراده و بی اختیار کشور را اداره نمایند که نتیجه آنها هم تهن شدن خزانه عمومی و ورشکستگی اقتصادی و از هم گسیختگی امور و آن وضعی گردید که در روزنامه تایمز به طاعون فساد نامیده شده است.

اینک با آزمایش حکومت دکتر امینی ظاهرا میخواهند برای مدت دیگری حکومت مشخص به اصطلاح مقتدری را بدون مجلس قانون گذاری بوجود آورند. بطلان تجربیات گذشته که بدون

اراده و دخالت ملت ایران بود ثابت گردید بطلان تجربه دکتر امینی هم که تکیه‌گاهی در میان ملت ایران ندارد بزودی ثابت خواهد شد.

نقش باطل. ما علنا و آشکارا اعلام مینمائیم که ایران صفحه شطرنج نیست که بازیگران بدخواه خود سواران آن را جابجا کنند (صحیح است) ایران تخته مشق نیست که هر روز نقش باطلی بر صفحه آن ترسیم کنند و روز دیگر آن را با کهنه کثیفی پاک نمایند. ایران جایگاه ملت زنده‌ایست که می‌خواهد در این جهان و بین ملت‌های آزاد و مستقل و شرافتمند زندگی کند و حاکم بر سرنوشت خود باشد، مقدرات ملت ایران باید در تهران و بوسیله نمایندگان واقعی ملت ایران معلوم شود نه لندن و واشنگتن و مسکو خارج از ایران.

اساس جبهه ملی. اساس و مایه وجود جبهه ملی جز این چیزی نیست جبهه ملی تشکل افکار و آمال و اراده عمومی ملت ایران است که بیاری خداوند متعال و باتکاء همه افراد آزاده و میهن دوست ملت برای احیای حقوق و آزادیهای فردی و استقرار حکومت قانونی و دفاع از اصول مشروطیت و اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق و آزادیهای افراد و اجتماعات تشکیل شده است.

هموطنان! مبارزاتی که در جریان سال گذشته جبهه ملی پرچم دار آن بود بطلان ادعای آزادی انتخابات را به جهانیان ثابت کرد. مجلسی که زائیده آن اوضاع بود تاب مقاومت نیاورد و انحلال آن دو ماه بعد از تشکیل اعلام گردید. منطق دموکراسی و مشروطیت، موقع خطیر مملکت، احترام به افکار عمومی ملت و بالاخره نص صریح قانون اساسی حکم میکند که بلافاصله پس از انحلال مجلس انتخابات در محیط آزاد و قانونی شروع شود و حاکمیت به ملت اعاده گردد.

فرمان انحلال. ولی با کمال تأسف از همانروزهای اول تشکیل حکومت جدید مشاهده گردید که نظر و نقشه دولت و آنها که این ترتیب حکومت را برای حل مشکلات مملکت اندیشیده‌اند غیر از این است. از متن فرمان انحلال مجلسین معلوم است که پیش نویس کنندگان آن حسن نیت را نداشته و نص صریح قانون را نادیده گرفته‌اند زیرا اصل ۴۸ استنادی قانون اساسی که مجوز انحلال است میگوید: «در هر مورد که مجلسین یا یکی از آنها به موجب فرمان همایونی منحل میگردد، باید در همان فرمان انحلال علت انحلال ذکر شود و امر به تجدید انتخابات نیز بشود، انتخابات جدید در ظرف یک ماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس و یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه از تاریخ مزبور باید منعقد گردد».

در فرمان انحلال قید شده است که «چون باید حکومت مقتدر و قوی بر سر کار و دست او در اجرای اصلاحات آزاد باشد، بدین جهت مجلسین منحل میشوند». این استدلال بهیچ وجه منطبق با اصول مشروطیت نیست، زیرا مفهوم مخالف آن این است که هر وقت دولت مقتدر و اصلاح طلب حکومت کند باید مجلس وجود نداشته باشد و وجود پارلمان فقط مخصوص مواقعی است که دستگاهی ضعیف و فاسد بر مملکت حکومت کند، این استدلال با منطق مشروطیت و مملکت داری سازگار نیست بعلاوه برخلاف نص صریح قانون اشاره‌ای به تجدید انتخابات و تاریخ آن نشده است، ما اعلام میداریم دولتی که برخلاف قانون اساسی فترت قانون گذاری

ایجاد میکند، بخود صورت غیرقانونی میدهد و مردم حق دارند با آن رفتار حکومت غاصب بنمایند.

قانون اجازه نمیدهد. یکی از وزیران دولت در ضمن بیانات اخیر خود که در جرائد مرکز منتشر شده گفته است که «ما مجلس را منحل کردیم». ایشان و همکاران ایشان باید بدانند که انحلال مجلس ثمره مبارزات مستمر و پی گیر ملت ایران بوده و در آنوقت که هزاران نفر افراد روشنفکر و زحمتکش ملت ایران بر علیه انتخابات و مجلس غیرقانونی اعتراض میکردند و به زندان میرفتند از وجود محترم ایشان کوچکترین اثری نبود، آقای نخست وزیر در ضمن مصاحبه مطبوعاتی روز سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۰ در جواب سؤال راجع به رعایت اصول قانون اساسی گفته اند: «آیا شرایط غیرعادی و اوضاع و احوال فوق العاده مملکت اجازه میدهد که ما منتظر اصول قانونی بشویم و دنبال این حرف‌ها بریم» مفهوم بیان ایشان اینست که هر نخست وزیر بی‌بهره وضع غیرعادی مجاز باشد که اصول و قانون اساسی ایران را پایمال کند، هیچ ملت زنده و علاقمند به آزادی و دموکراسی هرگز اجازه چنین تغییرات و تحریفاتی به زمامداران خود نمیدهد.

دوره هفدهم. آقای سپهبد عزیزی وزیر کشور که تاکنون معروف به امانت و درستی بوده‌اند با نهایت تاسف درباره انتخابات اظهاراتی کرده‌اند که یا ناشی از عدم آشنائی ایشان به قوانین کشوری بوده یا ناشی از عدم اختیار ایشان در انجام وظایف قانونی مربوط بخود میباشد. جناب ایشان نواقص انتخابات دوره هفدهم را که در زمان حکومت جناب آقای دکتر مصدق (در این موقع بشدت ابراز احساسات کردند و تا چند دقیقه دست میزدند) صورت گرفت برخ جبهه ملی کشید. این استدلال و استناد بهیچوجه وارد نیست، زیرا اگر نقصی در انتخابات آن دوره بود بیشتر ناشی از مداخلات مقامات و مامورین انتظامی و مامورینی که علیه رئیس دولت وقت و به قصد انتخاب اشخاص مخالف ایشان در امر انتخابات مداخله کرده و سوابقی نظیر انتخابات مهاباد و خرم آباد بوجود آوردند.

البته ما ادعا نمیکنیم که قانون انتخابات بی عیب و نقص است ولی در هیچ دوره‌ای خرابی انتخابات مربوط به نواقص قانون مزبور نبوده بلکه ناشی از مداخلات صریح دولت و تجاوز به حقوق مردم و سلب آزادی رای دهندگان و پر کردن صندوقها از آراء ساختگی و تمویض آراء حقیقی مردم بوده است، که این عملیات بهیچوجه مجوزی در قوانین جاریه مملکتی ندارد. در اینجا سئوالاتی از جناب آقای وزیر کشور در پاسخ مصاحبه مطبوعاتی ایشان میشود و چون معروف به شرافتمندی هستند انتظار داریم درباره آن فکر کنند و به وجدان خود جواب بدهند و بر طبق آن عمل کنند تا در پیشگاه ملت روسفید بمانند.

احضار به مرکز. آقای وزیر کشور! آیا قانون انتخابات گفته است که وزیر کشور در موقع انتخابات استناداران را به مرکز احضار کند و راجع به انتخابات اشخاص معین و جلوگیری از انتخابات اشخاص معین دستور بدهد که امروز میخواهید فجایع گذشته را بیپای قانون بی زبان انتخابات بگذارید.

آقای وزیر کشور، آیا قانون گفته است که دولت بوسیله تلگراف رمز و اعزام مامور مخصوص دستور انتخابات اشخاص معین بفرمانداران و استانداران بدهد که شما امروز میخواهید فجایع گذشته را بپای قانون بی زبان انتخابات بگذارید، آیا قانون انتخابات گفته است که افراد بدسابقه را بعصویت انجمن نظارت انتخابات دعوت کنید و از اعلام اسامی آنان خودداری ورزید که امروز میخواهید فجایع گذشته را بپای قانون بی زبان بگذارید. آیا قانون گفته است که از اجتماعات مردم و آزادی نطق و بیان و مطبوعات با توسل به زور و حبس جلوگیری کنند که امروز میخواهید نقائص انتخابات گذشته را بپای قانون بی زبان بگذارید.

بدون اجازه. آقای وزیر کشور آیا قانون انتخابات گفته است که بدون اجازه سازمان امنیت کسی حق داوطلبی نمایندگی و فعالیت انتخاباتی نداشته باشد که امروز میخواهید نقائص انتخابات گذشته را بپای قانون بی زبان بگذارید. آقای وزیر کشور آیا قانون گفته است که دولت به روزنامه‌ها دستور دهد تا از انتشار صورت نامزدهای نمایندگی مردم خودداری کنند و با جعل اکاذیب و تحریف وقایع انتخابات مبنی بر تهدید و تطمیع را انتخابات آزاد معرفی نمایند که امروز شما میخواهید فجایع گذشته را بپای قانون بی زبان بگذارید. آیا قانون گفته است که شهردار انتصابی دولت چاقو کشان حرفه‌ای را با وسائل مجهز دولتی تجهیز کند و باشگاه جبهه ملی را مورد حمله قرار دهد و ماموران شهربانی از فعالیت انتخاباتی مردم جلوگیری نمایند که امروز میخواهید فجایع انتخابات گذشته را بپای قانون بی زبان بگذارید.

آقای وزیر کشور آیا قانون گفته است که دانشجویان دانشگاه و بازاریان و کارگران و سایر مردم مبارز را در تهران و شهرستانها بجرم اعتراض بر انتخابات غیرقانونی روانه زندان بسازید که امروز میخواهید فجایع انتخابات گذشته را بپای قانون بی زبان بگذارید. آقای وزیر کشور ملت ایران توطئه‌ای را که تحت عنوان نقائص قانون و اصلاح آن برای گذاشتن سرپوش بر فجایع انتخابات گذشته و جلوگیری از انتخابات جدید در موعد قانونی و استقرار حکومت ملی متکی به افکار عمومی در حال تکوین است بخوبی میشناسد، آنرا تحمل نخواهد کرد و با تمام قوا از حقوق قانونی خود دفاع خواهد نمود.

آقای وزیر کشور، اصول قانون اساسی و مشروطیت ایران بدولت اجازه نمیدهد که مقررات قانونی را با تصویبنامه تغییر دهد، چنین تصویبنامه‌ای غیر قانونی و باطل است و مجوز تعویق انتخابات و تعطیل مشروطیت نمیتواند باشد. ما امیدواریم گوش شنوا در مسئولین حکومت ایران باشد و اقدامی نکنند که بیش از این عصیان و طغیان افکار عمومی را دامن بزند و امیدواریم که ملت برومند ایران برای حفظ مشروطیت و حقوق و آزادی های قانونی خود بیدار و توانا باشد.

ناشر: با تشکر از آقای دکتر مصباح زاده که این سند را تهیه و در اختیار ما گذاردند.

متن مصاحبه آقای دکتر سنجابی در باره مرگ خمینی

«مسئولان جمهوری اسلامی باید نهضت نوزاد
دموکراسی جهانی را بشناسند و قوای مسلح
مراقب مرزهای کشور باشند»

آقای دکتر سنجابی در مورد مرگ آقای خمینی اظهار داشتند: درگذشت آقای خمینی نقطه شروع جدیدی در تاریخ تحولات ایران خواهد بود. متأسفانه همه امیدها که در روزهای اول انقلاب وجود داشت بر اثر گرایش ایشان و حواریون ایشان به استبداد و ارتجاع به یاس گرایید.

در مدت این ده سال خسارات و مصائب هولناک از جهات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و نظامی بر ملت ایران وارد آمد. اکنون با میراث وحشت آوری که از جنگ ویرانگر و ناتمام با عراق و خرابی همه ارکان اقتصادی و قحطی و گرانی بی سابقه برای مردم ایران و ارکان جمهوری اسلامی ایران باقی مانده و با جدائی و انزوای تقریباً مطلق ایران از جامعه جهانی و مخصوصاً با اختلافات شدیدی که اخیراً در جریان ولایت فقیه ظهور کرده است مسلم بنظر میرسد که با درگذشت آقای خمینی باید تحولات عظیم در ایران صورت بگیرد.

امیدوارم این قدر عقل و درایت در مسئولین جمهوری اسلامی باشد که از یک طرف نارضایتی عمومی و بن بست اوضاع ایران و از طرف دیگر نهضت نوزاد دموکراسی طلبی جهانی را درک نمایند و بتوانند وضع ایران را با جهان در حال تحول وفق بدهند. مخصوصاً آرزومندم که این فقدان باعث بروز مبارزات برای قدرت طلبی و تسویه حساب و برادرکشی داخلی نشود و تحولات اجتناب ناپذیر با مسالمت صورت پذیرد.

مخصوصاً به نیروهای ارتش و دیگر نیروهای مسلح سفارش و توصیه میکنم که از بروز اختلاف و جنگ های داخلی خودداری نموده و در حال آماده باش و با دقت مراقب مرزهای میهن و نگهبان تمامیت ارضی کشور باشند.



فهرست اسامی



- استامیل، جان : ۲۱۳ - ۳۸۵ - ۴۲۷
 استرسین : ۴۲۸
 استوکس : ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۷۱
 اسکندری، ایرج : ۷۱ - ۷۸
 اسکندری، سلیمان میرزا : ۱۹ - ۲۱ - ۲۳ -
 ۲۴ - ۲۶ - ۲۸ - ۲۹ - ۴۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۷۱ -
 ۹۸
 اسکندری، عیسی میرزا : ۲۳
 اسلان کنکاوری، حاج صاری : ۲۴
 اشراقی : ۲۹۳ - ۳۴۲
 اعتبار : ۱۶۲
 اعلم، صدیق : ۱۸۹
 افشار طوس : ۱۳۱ - ۱۳۲
 اقبال، خسرو : ۶۸
 اقبال، دکتر منوچهر : ۶۸ - ۱۵۷ - ۱۶۰ -
 ۱۶۱ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۱۵
 اقبال آشتیانی، عباس : ۱۴
 اقبال، محمدرضا : ۲۰۷
 الموتی : ۷۱
 امامی، جمال : ۷۰ - ۱۰۳ - ۱۲۳ - ۱۲۵ - ۱۸۷ -
 ۱۹۰
 امامی، دکتر سید حسن : ۷۷
 امامی، قاتل هژیر : ۹۷ - ۱۶۱
 امیر جنگ : ۸۰
 امیراعظم، داودخان : ۱۹ - ۴۰ - ۴۵ - ۴۱۹
 امیر کل : ۶۴
 امیر انتظام : ۳۱۴ - ۳۲۸
 امیر تیمور کلالی، محمد ابراهیم : ۱۷۱ - ۲۴۹
 امیر علایی، حسن الدینی : ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۷۲ - ۱۷۴ -
 ۱۷۵ - ۲۴۲ - ۲۴۴ - ۲۵۱ - ۳۱۲ - ۳۵۲ - ۳۶۸ -
 ۳۸۰
 امینی، علی : ۸۷ - ۹۱ - ۱۵۴ - ۱۵۷ - ۱۷۸ -
 ۲۰۹ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ -
 ۲۱۷ - ۲۲۶ - ۲۵۰ - ۲۵۶ - ۳۶۶ - ۳۰۷ - ۴۱۰ -
 ۴۱۱
 امینی، نصرت الله : ۱۴۵ - ۱۴۸ - ۲۰۷ -
 ۲۲۷ - ۲۹۸
 انتظام، نصراله : ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۵
 انگجی : ۲۲۶
 انگلس : ۴۱۹
 انواری، احمد : ۴ - ۴۳۱
 اویسی : ۲۸۹
 ایرنماید (ژنرال) : ۳۳
 آدمیت، فریدون : ۱۰۴ - ۱۷۶
 آدمیت، طهمورت : ۱۰۴
 آذر، مهدی : ۶۶ - ۱۰۷ - ۱۷۶ - ۲۰۶ - ۲۱۷ -
 ۲۲۴ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۲ - ۲۳۸ - ۳۱۲ - ۳۴۲ -
 ۳۸۰ - ۳۶۸
 آرش، سلیمان بك : ۶۷
 آزاد، عبدالقدیر : ۶۹ - ۹۶ - ۸۹ - ۳۶۱
 آیزنهاور : ۱۳۰ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۲۰۹
 آلن، جورج : ۷۸
 آپسن : ۱۰۱ - ۱۱۱
 آموزگار، جمشید : ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۳۱۰ - ۳۵۸ -
 ۳۸۶ - ۳۶۰
 آرامش، احمد : ۲۵۸
 آرام، بهرام : ۲۶۰
 آگاه، علی : ۳۵۴
 آیت، حسن : ۴۱۴
 آل احمد، جلال : ۲۶۵ - ۲۶۷ - ۲۶۸
 آراسته، نادر : ۴۲۸ - ۴۴۰
 استیاح، ابوالحسن : ۸۷
 احسان پاشا، علی : ۲۰
 امیراحمدی، احمد آقا (سیهبد) : ۳۵ - ۳۷
 احمدزاده، طاهر : ۲۶۴
 احمد شاه : ۲۹ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۴ - ۳۶ - ۳۷
 اخوی، علی اکبر : ۱۷۸
 انیب، بروسند : ۲۰۷ - ۲۲۴
 ارانی، تقی : ۴۵
 اردلان، عزالمالك : ۷۷
 اردلان، علیقلی : ۱۱۰
 اردلان، فرج اله : ۲۹۱ - ۳۵۲ - ۴۰۷
 اردلان (رئیس کلانتری) : ۱۴۱
 اردلان، علی : ۲۲۷ - ۳۱۰ - ۳۲۲ - ۳۲۹ -
 ۳۴۴ - ۳۴۳
 ارنجانی، حسن : ۲۱۱ - ۲۱۳ - ۲۱۵ - ۲۲۵
 ازهارى، غلامرضا : ۳۶۰ - ۳۸۶
 استالین، ژوزف : ۵۰ - ۳۶۹ - ۴۲۸





بوشهری، جواد : ۱۶۷ - ۱۷۱ - ۱۷۷
 بهبهانی، سیدعبدالله : ۹۸ - ۱۳۰ - ۱۴۶ -
 ۱۴۷ - ۲۴۷ - ۳۵۰
 بوبین : ۸۶
 بهشتی (آیت الله) : ۲۶۶ - ۲۸۵ - ۲۹۲ -
 ۲۹۵ - ۳۱۲ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۷ -
 ۳۵۰ - ۳۵۸ - ۳۶۲ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۸۸ - ۳۸۹ -
 ۴۱۴ - ۴۱۵
 بنینیا : ۲۱۳
 بیات، مرتضی قلی : ۶۰ - ۶۲ - ۲۶۲
 بیاتی : ۱۹۶



پارسا، اصغر : ۱۲۶ - ۱۲۸ - ۱۲۴ - ۱۳۶ -
 ۲۰۷ - ۲۲۴ - ۲۲۷
 پارسونز، آنتونی : ۳۸۵
 پاکروان : ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۵۷
 پرت، دبلیوگریگوری : ۳۸۵
 پزشکپور : ۲۸۹
 پسیان، محمدتقی خان (کلنل) : ۳۵
 پور سرتیب، محمد : ۶۹ - ۱۹۶
 پهلوی، محمدرضا : ۲۸ - ۴۱ - ۵۶ - ۵۸ - ۶۷ -
 ۶۹ - ۷۰ - ۸۶ - ۹۰ - ۹۷ - ۱۰۰ - ۱۵۹ - ۱۶۹ -
 ۱۸۶ - ۲۷۲ - ۲۷۷ - ۳۵۹ - ۳۸۶ - ۴۲۷ - ۴۳۳
 پهلوی، شمس : ۱۴۹
 پهلوی، اشرف : ۱۴۶ - ۳۶۰ - ۳۷۰
 پهلوی، شاهپور عبدالرضا : ۸۳ - ۱۴۹
 پهلوی، علیرضا : ۹۲
 پیچ : ۱۵۵
 پیشه روی : ۷۲ - ۷۵ - ۷۶ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ -
 ۲۶۸ - ۴۲۱
 پیمان، حبیب الله : ۱۹۸
 پالمه، اولاف : ۳۴۲
 پهلوی، رضا : ۳۶۶



تدین : ۳۸ - ۱۸۹
 تختی، غلامرضا : ۲۲۴ - ۲۲۶
 ثرومن : ۷۹ - ۱۰۱ - ۱۱۱ - ۱۲۷ - ۱۹۳
 تفضلی، جهانگیر : ۶۸
 نقی زاده : ۱۹ - ۵۹ - ۶۳ - ۶۴ - ۷۸ - ۲۰۷
 تنکابنی، میرزا طاهر : ۲۱
 تولیت : ۱۳۲
 تهرانی، سید حلال : ۳۱۴

بیجگراف (کلنل) : ۳۱
 باتلر، ویلیام : ۲۸۵
 بادوان (پروفسور) : ۱۱۹
 باراتف (ژنرال) : ۳۱
 بازرگان، مهدی : ۱۰۲ - ۱۰۵ - ۱۱۳ - ۲۰۴ -
 ۲۰۵ - ۲۰۷ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ -
 ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۷ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۴۰ - ۲۵۱ -
 ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۸۱ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۸ -
 ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۳۰۳ - ۳۱۲ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ -
 ۳۱۷ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ -
 ۳۲۶ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ -
 ۳۵۲ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۷۲ - ۳۷۴ -
 ۳۸۲ - ۴۰۷ - ۴۲۷
 باقراوف : ۷۳
 باهری، محمد : ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۸۰
 باهر : ۳۰۵ - ۴۱۴
 بختیار، تیمور : ۱۵۱ - ۱۵۶ - ۱۶۱ - ۱۶۲ -
 ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۲۵۷ - ۳۵۸ - ۳۶۲
 بختیار، جمشید : ۱۶۵
 بختیار، شاپور : ۸۲ - ۱۱۷ - ۱۳۹ - ۱۶۱ -
 ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۷۸ - ۱۹۶ - ۲۰۳ - ۲۰۷ -
 ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۱۰ - ۲۱۳ - ۲۱۷ - ۲۲۰ - ۲۲۴ -
 ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۳ - ۲۴۴ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۴ -
 ۲۸۵ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۶ - ۲۹۷ -
 ۲۹۸ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۱۰ -
 ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۵ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۲۰ -
 ۳۲۱ - ۳۶۲ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۲ - ۳۸۵ - ۳۸۶ -
 ۳۸۷ - ۳۸۹ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۵ -
 ۴۲۷ - ۴۳۴
 بدیع زانکان، علی اصغر : ۲۶۰
 براون، جورج : ۳۸۷
 بروجردی، آیت الله : ۱۹۵ - ۲۰۲ - ۲۴۶ -
 ۳۴۳ - ۳۴۷
 برژنیسکی : ۳۱۹ - ۴۲۷
 برومند : ۳۸۵
 بقایی کرمانی، مظفر : ۹۳ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۸ -
 ۱۱۵ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۲۰ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۵ - ۱۲۶ -
 ۱۳۰ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۵ - ۱۴۶ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۶۷ -
 ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۲۰۴ - ۳۵۸ - ۳۶۰ - ۳۶۱
 بنی احمد، احمد : ۲۸۹
 بنی صدر، ابوالحسن : ۲۱۷ - ۲۹۱ - ۲۹۶ - ۲۹۹ -
 ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۳۰ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۶ -
 ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۸۱ -
 ۳۹۰ - ۳۹۲ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۱۴ -
 ۴۲۰ - ۴۲۲ - ۴۲۵ - ۴۲۶

حق شناس، جهانگیر : ۷۲ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۶۸ -
 ۱۷۹ - ۱۸۵ - ۱۹۶ - ۲۰۳ - ۲۰۷ - ۲۲۷ - ۲۴۰ -
 ۳۱۱ - ۳۱۲
 حکمت، رضا (سردار فاخر) : ۹۰ - ۳۵۸ - ۳۷۰ -
 حکیمی، ابراهیم (حکیم الملک) : ۹۰ - ۸۷ -
 ۳۵۸ - ۳۶۶
 حنیف نژاد، محمد : ۲۶۰
 حشمت الدوله والانتبار : ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۲۶ -
 ۱۵۰ - ۱۵۱



خالوقربان : ۳۵
 خامنه‌ای : ۳۷۰
 خراسانی، آیت الله : ۱۶۹ - ۲۹۴ - ۳۵۰ -
 خراسانی، ملامحمد کاظم : ۱۷ - ۳۵۰ -
 خزعل : ۳۴ - ۴۱
 خسروداد : ۳۲۳
 خسروشاهی، آیت الله : ۲۸۵
 خلخالی : ۲۲۶
 خلعتبری، ارسلان : ۷۲ - ۹۶ - ۱۹۶ -
 خلیلی : ۹۶ - ۱۹۱ - ۲۰۷ - ۲۱۷ -
 خمینی، روح الله : ۱۲۵ - ۲۰۲ - ۲۶۳ - ۲۶۶ -
 ۲۷۳ - ۲۸۶ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۴ -
 ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۹ - ۳۰۴ - ۳۰۷ - ۳۰۹ - ۳۱۱ -
 ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۲۰ - ۳۲۱ -
 ۳۲۴ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ -
 ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۴۲ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۹ -
 ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۷ -
 ۳۷۱ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ -
 ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۴۰۲ - ۴۱۰ - ۴۱۳ - ۴۱۴ -
 ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۸ - ۴۳۱ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ -
 خمینی، سید احمد : ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۴۰ - ۳۴۱ -
 خنجی : ۲۰۷ - ۲۱۷ - ۲۴۰ - ۲۴۳
 خواجه نوری، ابراهیم : ۲۱۰ - ۳۱۰
 خصامی (حاجی) : ۲۴۷



دالس، آبن : ۸۹ - ۱۳۰ - ۲۰۹
 دالس، فاستر : ۸۹ - ۱۳۰
 داور : ۳۸ - ۴۴ - ۴۵
 درخشش : ۱۰۲ - ۱۵۳ - ۱۵۵ - ۱۹۰ -
 دستمالچی : ۳۴۷
 دشتی، علی : ۳۷ - ۳۸ - ۷۰
 دفتری (تیمسار) : ۱۴۲ - ۱۴۳
 دولابیز : ۲۵
 دولت آبادی بحیبی : ۳۹
 دهخدا، استاد علی اکبر : ۲۴ - ۶۰ - ۱۴۸ -
 ۱۸۲
 نماوندی : ۲۲۶

نهران جی، محمدرضا : ۱۸۹
 سیمور تاش : ۳۸ - ۴۴ - ۵۴ - ۹۳ - ۹۶ - ۲۶۹



تابتی، پرویز : ۲۵۸ - ۲۸۲



جان محمدخان : ۳۵
 جاوید : ۷۷ - ۸۲
 جزایری، شمس الدین : ۷۲ - ۱۵۳ - ۱۵۵ - ۱۹۶ -
 جزئی، بیژن : ۲۳۵ - ۲۶۰
 جلالی، علی : ۶۸
 جلالی نماوندی : ۱۹۹ - ۲۲۶
 جلالی ناشینی : ۹۶ - ۱۹۱
 جوانشیر : ۱۵۷
 جواهر کام : ۷۹
 جودت : ۷۱
 جهانبانی (سرتیپ) : ۱۵۳
 جعفری، شعبان (معروف به بی مخ) : ۳۵۱ - ۳۵۲



چارلز اج وات : ۸۶
 چرچیل : ۱۱۱ - ۱۲۷ - ۱۴۰ - ۱۹۲ - ۳۲۸



حاج سیدجوادی، سیدضیاء الدین : ۱۹۹ - ۲۲۶
 حاج سیدجوادی، علی اصغر : ۲۸۳ - ۴۰۷
 حاج علیلو (نکتر) : ۴۰۶
 حائری : ۱۵۲ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵
 حائری زاده : ۹۰ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۸ -
 ۹۹ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۲ - ۱۴۶ -
 ۱۵۲ - ۳۶۱
 حبیبی : ۳۳۷
 حجازی، مسعود : ۲۱۷ - ۲۲۷ - ۳۴۷
 حسابی، محمود : ۱۰۷ - ۱۱۱ - ۱۱۴ - ۱۷۶ -
 ۲۴۸
 حسن خان : ۱۴ - ۱۶ - ۱۷
 حمیبی : ۷۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۱۰۹ - ۱۱۲ - ۱۱۵ -
 ۱۱۸ - ۱۲۱ - ۱۳۴ - ۱۴۳ - ۱۴۷ - ۱۵۱ - ۱۵۴ -
 ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۶۸ - ۱۸۵ - ۱۸۷ - ۱۹۶ - ۲۰۳ -
 ۲۰۶ - ۲۱۷ - ۲۲۴ - ۲۲۷ - ۲۵۱ - ۳۱۰ -
 ۳۱۲



زنجانی، سید رضا (آیت الله) : ۱۵۲ - ۱۹۹ -
 ۲۸۳ - ۳۱۱ - ۳۳۹
 زنجانی، سعید : ۲۳۴ - ۲۳۹
 زنجانی، سید ابوالفضل : ۲۸۳
 زند، پیری سیما : ۱۴۹
 زنگنه، احمد : ۷۲
 زنگنه، عبدالحمید اعظم : ۲۴ - ۱۰۲ - ۲۵۶ -
 ۲۵۷
 زوری چیچ : ۱۲۰
 زهری : ۱۲۹ - ۱۳۲ - ۱۳۵
 زیرک زاده، احمد : ۷۲ - ۹۶ - ۱۲۷ - ۱۴۳ - ۱۵۲ -
 ۱۶۸ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۲۰۳ - ۲۰۶ - ۲۱۷ - ۲۲۴ -
 ۲۲۷ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲
 زنگنه، شیخ علیخان : ۱۶



ساد، چیکف : ۸۶
 ساعد، مراغدای : ۶۰ - ۶۳ - ۷۲
 ساقی (استوار) : ۲۳۳ - ۲۳۴
 سالار الدوله : ۱۹ - ۲۸
 سنجابی، حسین (سالار ظفر) : ۱۶ - ۲۳
 سالیوان : ۳۱۴ - ۳۱۶ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۸ -
 ۳۲۹ - ۳۶۴ - ۳۸۷ - ۳۹۱ - ۴۲۴
 سامی (دکتر) : ۱۹۸ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۹۷
 سجادی (دکتر) : ۵۷
 سحابی (دکتر) : ۲۰۷ - ۲۱۸ - ۲۲۱ - ۲۲۴ -
 ۲۲۷ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۸۴ - ۳۲۱ - ۳۶۸ - ۳۷۴
 سلطان سحاق : ۱۵
 سردار مقتدر، علی اکبر خان : ۱۶ - ۲۳
 سردار ناصر، قاسم خان : ۱۶ - ۱۷
 سروری، محمد : ۲۸۱
 سعید (رئیس مجلس) : ۳۱۵ - ۳۱۸
 سلامتیان، احمد : ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۶ -
 ۳۵۲ - ۳۵۶ - ۴۰۶ - ۴۰۷
 سنجابی، سالار ظفر : ۷۵
 سالار مقتدر : ۲۳
 سنجابی، سعید : ۲۸۷ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ -
 ۴۲۰ - ۴۲۴ - ۴۲۵
 سوکانو : ۳۲۷
 سولارز، استغن : ۳۸۵
 سهیلی، علی : ۵۴ - ۶۰ - ۶۳ - ۶۷ - ۶۸
 سیاسی، علی اکبر : ۵۴ - ۲۸۱
 سید براهه : ۱۵
 سید ضیاء الدین : ۲۴ - ۳۱ - ۳۴ - ۷۰ - ۷۱
 سنجابی، مریم : ۳۹۳
 سنجابی، خسرو : ۴۰۴ - ۴۲۳ - ۴۲۵ - ۴۲۶
 سنجابی، پرویز : ۴۰۴ - ۴۲۳ - ۴۲۶

رائعش، رضا : ۷۱
 رافی، حسین : ۱۹۸
 رائین، اسماعیل : ۶۰ - ۱۰۰
 ربیعی : ۳۱۶
 رجایی : ۴۱۴
 رجوی، داود : ۱۷۷
 رجبی : ۱۷۷ - ۱۷۹
 رجوی، صالح (دکتر) : ۴۰۷
 رجوی، کاظم : ۴۰۷
 رجوی، مسعود : ۲۶۰ - ۲۲۳ - ۲۵۶ - ۳۷۳ -
 ۳۹۲ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۲۰ -
 ۴۲۲ - ۴۲۶ - ۴۲۷
 رحیمی، مهدی (سپید) : ۳۰۱ - ۳۲۳
 رحیمی لاریجانی (سپید) : ۳۰۱
 رزم آراء، علی (سپید) : ۶۳ - ۹۲ - ۱۰۰ -
 ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۲۱ - ۱۷۰ - ۲۵۶ - ۳۶۹
 رشید السلطنه گوران : ۶۷ - ۶۸
 رشیدیان : ۲۱۷
 رضا شاه، پهلوی (سردار سپه) : ۲۴ - ۲۷ - ۲۸ -
 ۳۵ - ۳۹ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ -
 ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ -
 ۶۳ - ۶۵ - ۸۰ - ۹۳ - ۱۱۶ - ۱۶۶ - ۱۸۸ - ۱۸۹ -
 ۲۱۳ - ۲۲۹ - ۲۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۴۳۸ - ۴۴۰
 رضا زاده شفیق : ۶۷
 رضایی : ۴۰۷
 رضوی (مهندس) : ۹۸ - ۱۳۳ - ۱۵۲ - ۱۸۵ -
 ۱۸۷ - ۱۹۹ - ۲۵۱
 رفیع، قائم مقام : ۱۵۳
 روزولت، رئیس جمهور آمریکا : ۶۰ - ۱۱۳ - ۴۲۸ - ۴۳۸ -
 روزولت، کرمیت : ۵۹ - ۱۴۷
 روستا، رضا : ۷۱ - ۷۶
 روشن، محمد علی : ۵۹
 رولن : ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۷۶
 ریاحی (سرتیپ) : ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۴۰ - ۱۴۱ -
 ۱۴۳
 ریاضی، عبدالله (مهندس) : ۳۱۵
 رئیس، محسن : ۵۴
 روحانی، شهریار : ۳۵۴ - ۳۵۵
 رسلبی (دکتر) : ۴۲۶
 روبن، باری : ۴۲۷



زاهدی، علی : ۸۸
 زاهدی، فضل الله (سپید) : ۱۲۵ - ۱۳۱ -
 ۱۳۲ - ۱۴۲ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۷ - ۱۵۲ - ۱۵۴ -
 ۱۵۵ - ۱۵۷ - ۱۵۹ - ۱۷۰ - ۱۷۴ - ۲۰۱ - ۲۵۶ -
 ۳۶۲ - ۴۱۰



مدیعی، غلامحسین : ۱۴۰ - ۱۵۲ - ۱۷۶ -
۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۱۰ - ۲۱۲ - ۲۱۵ - ۲۱۷ -
۲۱۸ - ۲۲۲ - ۲۲۴ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ -
۲۹۷ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۹ -
۴۳۶

منعتی زاده، کرمانی : ۲۲۹
صور اسرافیل : ۳۹
مولت الدوله قشقای : ۴۰ - ۴۱
صدر حاج سید جوادی، احمد : ۲۸۵
حبیب، میرزا حسن خان : ۴۳۸
مهتاج المعالک، شیر محمد خان : ۱۲ - ۱۶ -
۱۸ - ۵۲
صبا میرزا ابوالحسن خان : ۴۴۰



طارق عزیز : ۴۲۲
طالقانی (آیت الله) : ۱۸۰ - ۲۱۵ - ۲۱۸ -
۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۴ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۸۶ -
۲۹۴ - ۳۰۲ - ۳۰۴ - ۳۲۳ - ۳۲۵ - ۳۲۴ - ۳۵۶ -
۳۵۸ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۹۰
طاهری : ۱۹۰
طباطبایی، سید محمود (آیت الله) : ۲۴۷ - ۳۵۰ -
طباطبایی، سید ضیاء : ۲۴ - ۳۱ - ۳۴ - ۷۰ -
۷۱ - ۷۹ - ۸۰ - ۱۷۲ - ۴۳۸
طباطبایی، سید محمد صادق : ۳۹ - ۵۳ - ۷۷ -
۹۴ - ۹۵ - ۹۷ - ۹۸
طباطبایی، مهوش : ۳۵۵
طوقانیان (ارتشبد) : ۲۷۴
طهماسبی (امیر لشکر) : ۳۵
طهماسبی، خلیل : ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۱ - ۱۰۲ -
۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۲۲
طیب، حاج رضاشی : ۳۵۱ - ۳۵۲
طاهری، امیر : ۴۲۳



ظریفی، ضیاء : ۲۳۵



عاقلی زاده، عباس : ۱۶۵
عالی، ابراهیم : ۱۲۹ - ۱۲۸ - ۱۹۶
عامری، جواد : ۵۱
علی بابایی، احمد : ۴۰۷
عبدالناصر، جمال : ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۲۵۹ - ۳۲۷ -
۴۳۲
عبده، نکتہ جلال : ۱۱۰

شاه بختی (سپهبد) : ۶۴
شالوم، استغنی : ۳۸۵
شانه جی (حاجی) : ۴۰۷
شاهرودی، محمد تقی (حاجی) : ۲۱
شایگان، سید علی : ۲۴ - ۶۳ - ۷۵ - ۷۷ - ۷۸ -
۹۲ - ۹۴ - ۹۶ - ۹۸ - ۱۰۳ - ۱۱۰ - ۱۱۵ - ۱۱۶ -
۱۲۰ - ۱۲۸ - ۱۲۳ - ۱۵۲ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۷۶ -
۱۸۵ - ۱۸۷ - ۱۹۹ - ۲۳۹ - ۲۵۱ - ۳۲۴ - ۳۵۴
شیشتری : ۲۲۶
شریعتداری، آیت الله سیدکاظم : ۱۹۹ -
۲۴۶ - ۲۸۵ - ۲۹۲ - ۳۲۲ - ۳۲۴ - ۳۲۷ - ۳۷۵ -
۳۹۰
شریعتی، علی : ۲۶۲ - ۲۶۴ - ۲۶۶ - ۴۲۳ -
شریف امامی : ۲۰۶ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۵ -
۳۸۵ - ۳۸۶
شروین، نکتہ محمود : ۱۰۶
شجاع السلطنه : ۲۹
شعشعانی (سرتیب) : ۱۵۱
شفا، شجاع الدین : ۶۸ - ۱۰۷ - ۱۱۰
شمس آبادی (آیت الله) : ۲۶۵
شمشیری، حاج حسن : ۱۲۸
شوستر : ۲۹
شوکت الملک علم بیرجندی : ۳۵۹ - ۳۶۰
شومیاتسکی : ۳۶۹
شهید نورانی : ۶۳
شهرام، تقی : ۲۶۰
شیبانی، کاظم : ۱۱۴ - ۱۱۵
شیبانی، عباس : ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳
شایان، رضا : ۳۸۰



صادقی : ۱۹۶
صارم الدوله : ۳۱
صالح، الهیار : ۷۲ - ۷۸ - ۸۲ - ۹۴ -
۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۴ -
۱۱۵ - ۱۷۸ - ۱۹۶ - ۲۰۳ - ۲۰۷ - ۲۰۸ -
۲۱۲ - ۲۱۸ - ۲۲۲ - ۲۲۳ -
۲۲۴ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ -
۲۳۳ - ۲۳۵ - ۲۴۲ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۵۰ - ۲۵۱ -
۳۱۱ - ۳۶۸ - ۳۷۹
صالح، جهانشاه : ۳۲۹
صباغیان، هاشم : ۲۲۱ - ۲۲۲
صدام حسین : ۲۱۰
صدر، حسن : ۱۰۸ - ۱۱۲ - ۱۲۰
صدر الاشراف : ۶۰ - ۶۳ - ۲۰۷ - ۲۶۳
صدوقی (آیت الله) : ۲۹۰

فراشون، بارون : ۲۵
 فروهر، داریوش : ۳۰۶ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۶
 ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۴ - ۳۲۷ - ۳۴۳ - ۳۷۴
 ۳۸۰ - ۳۸۸
 فریبور : ۶۷ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۲ - ۷۵ - ۱۸۸ - ۱۹۶
 فلیجر (کلنل) : ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۷۴
 فوزیه : ۵۸
 فیروز، مظفر : ۴۶ - ۷۰ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۸
 ۷۹ - ۸۰ - ۸۱
 فیض (آیت الله) : ۱۰۱
 فیوضات : ۱۰۴
 فرح (ملکه) : ۲۸۸ - ۲۸۹
 فروغی، محمود : ۳۵۸ - ۳۶۶



قاسملو : ۴۱۹ - ۴۲۰
 قاسمی، ابوالفضل : ۳۱۲ - ۳۳۹ - ۳۸۰
 قاسمی، احمد : ۷۱
 قاسمیه، حاج حسن : ۲۲۶
 قاضی، آیت الله : ۲۹۰
 قاضی، صدر : ۷۷ - ۸۳ - ۸۵
 قاضی، محمد : ۷۷ - ۸۲ - ۸۵ - ۸۶
 قدیری، خسرو : ۵
 قره باغی : ۳۰۳ - ۳۱۶ - ۳۲۰
 قریشی : ۲۸۰
 قطب زاده، صادق : ۲۶۱ - ۲۹۳ - ۳۰۰ - ۳۴۷
 ۳۵۸ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۸۱ - ۳۹۰
 قلی پور : ۲۸۳
 قنات آبادی : ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۱۸ - ۱۲۳ - ۱۲۶ - ۱۶۸
 قوام السلطنه : ۲۴ - ۲۵ - ۳۶ - ۶۰ - ۶۳ - ۷۲ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۳ - ۱۱۸ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۸۶ - ۲۱۲ - ۲۲۵ - ۲۵۶ - ۳۶۱ - ۳۷۱ - ۴۴۰
 قاسم، عبدالکریم : ۲۵۹ - ۳۳۲
 قذافی (سرهنکد) : ۴۳۲



کاتم، ریچارد : ۱۶۰
 کارتر، ۲۵۹ - ۲۷۴ - ۲۸۱ - ۳۱۹ - ۳۲۰
 کاشانی، آیت الله : ۹۱ - ۹۲ - ۹۸ - ۹۹
 ۱۰۲ - ۱۰۶ - ۱۰۶ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵
 ۱۳۰ - ۱۳۲ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۵۲ - ۱۷۴
 ۱۹۴ - ۲۲۷ - ۲۵۰ - ۲۸۱
 کاشانی، ابوالمعالی : ۱۲۵

عرفات، یاسر : ۲۵۹ - ۳۲۶ - ۳۲۷
 عشقی : ۴۵
 عطایی : ۱۸۰
 علا، حسین : ۲۵ - ۳۹ - ۷۸ - ۹۹ - ۱۰۲
 ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۵۶ - ۱۵۷
 ۱۶۵ - ۲۰۱ - ۳۵۸ - ۳۵۹
 علم، امیر اسدالله : ۹۸ - ۱۰۱ - ۱۵۷ - ۲۳۲
 ۲۳۵ - ۲۷۰ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰
 علوی، مقدم (سپید) : ۱۵۱
 علوی کیا : ۱۵۱
 علی آبادی، عبدالحسین : ۶۳
 علی آبادی، محمد حسین : ۶۳ - ۶۹ - ۱۱۸ - ۱۷۸
 علی اوف : ۷۳
 علی بوتو، ذوالفقار : ۳۲۷
 عمیدی نوری، ابوالحسن : ۹۶ - ۱۹۱



غفار، جلال (عبدالغفارخان جلال علاء) : ۴۹ - ۴۳۸
 غنی زاده : ۲۰۷
 غفاری، هادی : ۳۴۴
 غرضی (مهندس) : ۳۷۴



فاتح، مصطفی : ۷۱
 فارسی، جلال الدین : ۳۲۷
 فاطمی، دکتر حسین : ۹۲ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۹ - ۱۰۲
 ۱۱۲ - ۱۱۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۴۰ - ۱۴۷ - ۱۵۰
 ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۹ - ۱۸۵ - ۱۹۱ - ۲۵۱
 فاطمی، شاهین : ۴۰۷
 فخر آرابی، ناصر : ۹۱ - ۹۲
 فرامرزی : ۱۲۳ - ۱۲۵ - ۱۳۰ - ۱۸۹ - ۱۹۰
 فرخی یزدی : ۴۵
 فردوست، حسین : ۶۶ - ۶۹ - ۸۷ - ۹۰ - ۳۶۵ - ۳۵۸
 فرشید (مهندس) : ۳۳۹
 فرمانفرمایان : ۱۷۷ - ۱۷۹
 فرمند، ضیاء الملک : ۱۷۱
 فروغی، فهرس : ۲۱۷
 فروغی، نکاء الملک : ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۳۶۶ - ۶۳ - ۶۱

فروغی (مهندس) : ۳۶۶
 فروهر، پروانه : ۲۲۵ - ۲۲۵
 فروهر، داریوش : ۱۲۸ - ۱۶۵ - ۲۲۲
 ۲۲۴ - ۲۲۷ - ۲۳۱ - ۲۳۵ - ۲۴۴ - ۲۸۱ - ۲۸۲
 ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۸ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳

لقمان ادبم، علیقلی : ۱۵۰
لنکرانی : ۱۳۹
لويس، ویلیام : ۴۲۷
لونا (همسر خسرو سنجابی) : ۴۲۵



مارکس : ۴۱۹
ماکویی : ۳۳۸ - ۳۴۱
مانیان، حاج محمود : ۲۲۷ - ۲۹۳ - ۲۹۵
مایر : ۶۲
مبشر : ۱۸۰
متین دفتری، هدایت اله : ۱۱۰ - ۱۱۲ - ۱۱۵ - ۱۱۶
۱۱۶ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۸۸ - ۳۲۲ - ۴۰۷ - ۴۳۶
مجتهدی نکتر : ۱۰۷ - ۱۷۶
مجیدی، عبدالمجید : ۲۸۳
محسن، سعید : ۲۶۰
محمد رحیم خان : ۱۴ - ۱۶ - ۱۸
محمد علیشاه : ۲۸ - ۲۰۷
محمد کاظم خراسانی، آخوند : ۱۸
مختاری (تیسار) : ۲۶
مدرس، سید حسن : ۲۰ - ۲۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ - ۴۵
۳۷۱ - ۳۵۸
مدنی، احمد (دریادار) : ۳۱۲ - ۳۲۴ - ۳۳۷
۳۳۹ - ۳۴۴ - ۳۶۸ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۳۷
مستوفی الممالک : ۲۶ - ۳۸ - ۳۵۸ - ۳۷۲ - ۴۴۰
مسعودی : ۹۰ - ۱۱۰ - ۱۹۱
مشار، یوسف : ۹۶ - ۱۲۶ - ۱۷۱ - ۱۸۹
مشیرالدوله، حسن پیرنیا : ۳۶ - ۳۸ - ۳۵۸ - ۳۷۲
۴۴۰ - ۳۷۲
مشیر، نکتر مرتضی : ۸۲
مصاحب : ۱۰۴
مصباحزاده، نکتر مصطفی : ۱۲۹
مصدق، نکتر محمد : ۲ - ۲۲ - ۳۶ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰
۴۰ - ۵۷ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۸ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۵
۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۸۰ - ۸۵ - ۸۶ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲
۹۲ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۲ - ۱۰۳
۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱
۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸
۱۱۸ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶
۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳
۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱
۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹
۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰
۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷
۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴
۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱
۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷

کاشانی، سید محمد : ۱۲۵ - ۱۲۷ - ۱۲۹
کافتارادزه : ۷۲
کاظم زاده : ۲۸۰
کاظمی، سید باقرخان : ۱۰۶ - ۱۰۹
- ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۴
۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۸۰ - ۲۰۳ - ۲۰۶ - ۲۱۳ - ۲۱۸ - ۲۲۱
۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۸ - ۲۳۹
۲۴۸ - ۳۱۰
کاظمی، عزالدین : ۳۱۰
کامبخش، عبدالصمد : ۷۱
کرایسکی، برونو : ۳۴۲ - ۴۰۵
کرمانی، میرزا شهاب : ۳۵۸ - ۳۶۱
کریم آبادی، ابراهیم : ۲۰۷ - ۲۲۷ - ۲۳۳ - ۲۳۴
کشاوری، فریدون : ۷۱ - ۷۸ - ۸۸ - ۹۲ - ۳۷۰
کشاوری، صدر سیدمحمد : ۱۷۹ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۷
۲۰۸ - ۲۱۳ - ۲۱۷ - ۲۲۲ - ۲۲۴ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۵
کلارک، رمزی : ۳۳۴
کلالی، امیر تیمور : ۱۷۱ - ۱۸۹
کمال پاشا، مصطفی : ۴۷
کمره‌ای، سید محمد : ۳۲ - ۱۸۲
کندی : ۲۰۹ - ۲۱۴ - ۲۷۳ - ۴۱۰
کنین (کنل) : ۲۱
کوچک خان، میرزا : ۳۵ - ۷۷
کهبد : ۱۳۳ - ۱۳۴
کیانوری : ۹۲ - ۱۵۶ - ۳۴۱ - ۳۵۸ - ۳۷۰ - ۴۰۹
۴۳۷
کیموله : ۲۹۲
کیهان، مازور مسعودخان : ۳۴
کلمانسو : ۴۲۸



کابریه‌لا، ماریا : ۱۴۹
گرهرو (پروفیسور) : ۱۱۶
کس : ۹۳ - ۹۴ - ۹۹ - ۱۸۹
گلشانیان : ۹۳ - ۹۴ - ۹۹ - ۱۸۹
گلیایگانی (ایت الله) : ۲۴۶



لاجوردی، حبیب : ۱
لاهیجی : ۲۸۳ - ۴۰۷
لباسچی، قاسم : ۳۴۵ - ۴۰۷
لدین، میجل : ۴۲۷
لطفی، عبدالعلی : ۱۲۵ - ۱۷۵

مهدوی، حسین : ۲۳۶ - ۲۹۶ - ۲۹۹
 مهدیان (حاجی) : ۲۹۳
 مهوش : ۲۰۸
 میراشرافی : ۱۲۶ - ۱۲۳
 میناجی، ناصر : ۳۱۹ - ۳۲۰
 میهن دوست، علی : ۲۶۰
 مبشری : ۲۸۰
 مدودف : ۴۲۷
 مصور : رحمانی-۱۹۶



ناجی : ۳۱ - ۳۲۳
 ناشینی، میرزا حسین (آیت الله) : ۲۹۴ - ۳۵۰ - ۳۷۳

نجم الملک : ۲۸۱ - ۳۶۶
 نخجوان، احمد (امیر موثق) : ۲۳ - ۵۶
 نخب، محمد : ۱۹۸
 نریمان، محمود : ۹۴ - ۹۸ - ۱۲۶ - ۱۳۱
 ۱۲۴ - ۱۴۳ - ۱۴۷ - ۱۷۵ - ۱۸۷ - ۲۰۸ - ۲۵۱
 نزیه، حسن : ۲۱۸ - ۲۲۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۴۰۷
 نصرت الدوله، فیروز : ۲۳ - ۲۵ - ۳۱ - ۳۲
 ۳۷۱ - ۵۴ - ۲۸
 نصیری، نعمت الله : ۱۳۷ - ۱۴۴ - ۲۳۱
 ۲۳۲ - ۳۰۱ - ۳۲۳
 نظام السلطنه مافی : ۲۰
 نفیسی، مشرف : ۵۴ - ۶۱ - ۶۲ - ۸۸
 نقدی (سپهد) : ۱۷۰
 نواب، حسین : ۱۲۰ - ۱۷۶
 نوبخت، حبیب اله : ۶۵ - ۶۸
 نهرو، جواهر العل : ۳۲۷
 نیک پی : ۳۰۱
 نیکسون : ۲۷۴
 نجفی مرعشی (آیت الله) : ۲۴۶
 نوری، شیخ فضل اله : ۲۴۷



وارسته، محمد علی : ۱۱۲ - ۱۷۰ - ۱۷۵
 وانس، سایروس : ۳۱۹ - ۴۲۷
 وات، چارلز اج : ۸۲
 وثوق الدوله : ۲۳ - ۳۱ - ۳۲
 ولیان : ۳۰۱ - ۳۰۲
 وکیل الدوله : ۴۵
 ویلسون : ۳۱ - ۱۱۳ - ۴۲۸
 ویلهلم دوم : ۲۹
 ورجاوند، دکتر پرویز : ۳۴۷

۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴
 ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۳ - ۲۰۶
 ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۴ - ۲۱۷ - ۲۲۱ - ۲۲۳ - ۲۲۵
 ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴
 ۲۴۵ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۵۶ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۳۰۴
 ۳۱۶ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۵۰ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱
 ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۹ - ۳۸۱ - ۳۸۲
 ۳۸۳ - ۴۱۲ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۲۸ - ۴۲۹
 ممدق، غلامحسین : ۱۷۷ - ۲۳۶ - ۲۳۸
 مطهری : ۲۶۴ - ۲۶۶ - ۳۱۴ - ۳۱۵
 معظمی، سیف الله : ۱۶۸ - ۱۷۷
 معظمی، عبدالله : ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۲ - ۱۴۴
 ۱۴۵ - ۱۷۷ - ۱۸۵ - ۱۸۷ - ۲۵۱
 معزی (سرهنگ) : ۴۰۷
 مقدادی (سروان) : ۲۶
 مقدس زاده : ۴۰۷
 مقدم مراغه ای : ۲۰۸ - ۲۵۰ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۵
 مقدم، ناصر (سپهد) : ۲۲۹ - ۳۰۲ - ۳۰۶ - ۳۸۶ - ۳۸۷
 مگری، محمد : ۷۳ - ۱۰۱ - ۲۹۳ - ۲۹۶ - ۳۰۰ - ۳۸۱
 مک کی : ۹۷ - ۱۰۱ - ۱۱۱ - ۱۹۲
 مکی، حسین : ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸
 ۱۱۳ - ۱۱۵ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶
 ۱۲۸ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۴۷
 ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۵ - ۱۶۶ - ۱۶۸ - ۱۸۵ - ۱۸۷ - ۳۶۱
 ملامصطفی : ۲۷۳
 ملک اسماعیلی : ۱۷۹
 ملک مدنی : ۱۳۲ - ۱۹۰
 : ملکی، ابوالحسن : ۶۳ - ۶۶
 ملکی، خلیل : ۷۱ - ۱۳۸ - ۱۴۲ - ۱۴۰ - ۱۴۷
 ۱۶۵ - ۱۸۵ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۳۶۱ - ۳۶۱
 ملکی، محمد : ۱۷۷ - ۱۷۹
 ملکی، محمود : ۶۳
 ملکی، دکتر مسعود : ۶۳ - ۶۹
 ملکی، احمد (مدیر ستاره) : ۹۶
 ممتاز (سرهنگ) : ۱۴۳
 منتظری، حسن علی : ۲۶۵ - ۳۰۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۵۳ - ۳۷۱ - ۳۷۵
 منتظری، محمد : ۳۵۴
 منصور، علی : ۴۹ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۳۷۱
 منوچهری، علی اشرف : ۲۰۷
 موتمن العلق : ۳۷ - ۳۸ - ۱۳۰ - ۱۳۴
 موسولینی : ۲۷۲
 موسوی، میرحسین : ۳۷۲
 موسوی اردبیلی، (آیت الله) : ۲۹۲ - ۳۱۸ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۷۲
 موسوی خوئینی ها : ۲۸۵



- هاریم : ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۷۱
 هاشمی، سید مهدی : ۲۶۵
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر : ۲۸۵ - ۲۲۹ -
 ۳۶۷ - ۳۵۸
 هایزر : ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۴۴ - ۳۶۵
 هدایت (ارتشبد) : ۱۵۲
 هزارخانی، منوچهر : ۲۸۳ - ۴۰۷
 هژیر، عبدالحمین : ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۲۴۹ -
 ۳۵۸ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰
 هس، رودلف : ۲۵
 همایون، داریوش : ۲۸۶
 هندرسن : ۱۸۵
 هویدا، امیر عباس : ۲۷۰ - ۳۰۱ - ۳۷۱ - ۴۲۷
 هیئت، علی : ۱۶۹
 هیئت، نادر : ۴۰۶
 هیتلر : ۴۸ - ۲۷۲ - ۴۲۸
 هول، کرول : ۴۲۸
 هافر، اریک : ۴۲۶
 هویدا، فریدون : ۴۲۷



- یزدی، ابراهیم : ۶۸ - ۷۵ - ۲۶۱ - ۲۹۳ - ۲۹۸ -
 ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۲۸ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۶۸ -
 ۳۹۰ - ۳۸۱
 یزدی، دکتر مرتضی : ۷۱ - ۷۸
 یکتایی، مجید : ۶۹

منتشر کرده‌ایم:

۱- مصدق در دادگاه نظامی

(نسخه اصلی و غیرمجموعی)
از سرهنگ جلیل بزرگمهر ۲ جلد

۲- خاطرات و تألمات دکتر مصدق

با جلد اعلا و شمیز
از زنده‌یاد دکتر محمد مصدق

۳- خاطرات دکتر مصدق

به زبان انگلیسی

ترجمه آقایان دکتر حسن امین
و دکتر همایون کاتوزیان با مقدمه دکتر کاتوزیان

۴- طرح چکمه - کودتای ۲۸ مرداد

نوشته و ودهاوس - ترجمه گروه تحقیق
و نشر تاریخ و فرهنگ ایران

۵- خاطرات سیاسی خلیل ملکی

با مقدمه دکتر محمد علی همایون کاتوزیان

۶- طرح استراتژیک امریکا

در خاورمیانه و ایران

ترجمه دکتر محمد علی نجفی

منتشر کرده‌ایم:

۶- من متهم میکنم دکتر فریدون کشاورز

۷- سابقه فرهنگی ایرانیان در بین النهرین
از دکتر محمد علی نجفی

بزودی منتشر خواهیم کرد

آئینه عبرت

مروری بر تاریخ معاصر ایران
بقلم دکتر نصرالله سیف پور فاطمی

جلد اول

از مجلس دوم تا دوره میانی سلطنت رضاشاه
در هشتصد صفحه و شامل اسناد منتشر نشده
در ماه‌های آینده منتشر خواهد شد
بقیه این کتاب که در یک مجموعه چهارجلدی تهیه شده و با پیروزی انقلاب ایران پایان
می‌یابد به ترتیب انتشار خواهد یافت

ارتشبد فردوست خاطرات و نظرات

شامل خاطرات فردوست و مجموعه نظرات درباره وی